

Analysis of Caring Thinking's Quiddity Based on Its Dimensions, Types, and Nature

Hajar Kouhi Esfahani*

Yahya Ghaedi**

Saeed Zarghami Hamrah***

Susan Keshavarz****

Introduction

Caring thinking is the third category of thinking based on Lipman's classification that integrates human emotions in intellectual affairs. Caring thinking conjugates 3H; Head, Heart, and Hand as symbols of contemplation, kindness, and behavior.

Research Question

This new category of thinking has not been effectively considered, especially in philosophical view. Therefore, the pros and cons of caring thinking and its implementation should be assessed and identified from a philosophical perspective. So, the goal of this research is the analysis of caring thinking's quiddity based on its dimensions, types, and nature and responding to challenges in these areas.

Method

In this paper, we elaborate quiddity of caring thinking by applying the concept analysis method. The basic purpose of our methodology is to consider concepts of different types of caring thinking that results in distinguishing characteristics of each type.

Discussion and Results

We investigate:

- 1) The interference and differentiation of 5 types of caring thinking

* Ph.D. Student, Kharazmi University, Tehran, Iran.

** Associate Professor, Kharazmi University, Tehran, Iran. *Corresponding Author:* yahya.ghaedi@khu.ac.ir

*** Associate Professor, Kharazmi University, Tehran, Iran.

**** Associate Professor, Kharazmi University, Tehran, Iran.

(Appreciative / Valuational, Emotional, Active, Normative, Empathetic), the interaction between these types, their relations to Bloom's taxonomy of educational approaches, and their individual and social effectiveness scope.

- 2) Dimensions of caring thinking based on how it affects the thinker (subject), the target (object), and the target's manner of thinking.
- 3) The nature of caring thinking that shows emotional thinking as the start point which consequently results in ethical values, motivations, and actions.

Finally, we introduce a four steps implementation of caring thinking that demonstrates its life cycle in a dynamic and self-rectifying society:

- 1) To pay attention and care to others including living and inanimate creatures because of Valuational, Empathetic, and Emotional thinking types.
- 2) To accredit and respect the rights of others, because of being involved in Emotional and Normative thinking.
- 3) To apply social, ethical, and biological rights of others in personal decision making and activities because of the usage of Active thinking.
- 4) Re-evaluate and revision the previous steps by assessing conditions using the Valuational and Normative thinking types.

Keywords: Caring thinking, Types of caring thinking, Dimensions of caring thinking, Nature of caring thinking

Author Contributions: This research is part of a Ph.D. thesis of Ms. Hajar Kouhi Esfahani was done by helping of Dr. Yahya Ghaedi and Dr. Saeed Zarghami Hamrah as supervisor professor and Dr. Susan Keshavarz as advisor professor.

Conflicts of interest: The authors declare there is no conflict of interest in this article.

Funding: This research was carried out at the expense of the researchers and No funding has been received to do so.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
بهار و تابستان ۱۴۰۱، دوره‌ی ششم، سال ۲۹
شماره‌ی ۱، صص: ۲۱-۴۲

مقاله پژوهشی

تحلیل چیستی انواع، ابعاد و ماهیت تفکر مراقبتی

هاجر کوهی اصفهانی*

یحیی قائدی**

سعید ضرغامی همراه***

سوسن کشاورز****

چکیده

تفکر مراقبتی، سومین گونه از سه‌گانه‌ی انتقادی، خلاق و مراقبتی تفکر (بر مبنای تقسیم‌بندی متیولیپمن) و حاصل بروز و ظهور عاطفه انسانی در وجه تعقلی آدمیان است. تفکر مراقبتی تفکری است که مغز، قلب و دست سه نماد اندیشیدن، مهربانی و عمل را با هم تلفیق نموده است. با توجه به کمتر شناخته بودن تفکر مراقبتی، نیاز به واکاوی و تعمق فلسفی در این حوزه احساس می‌گردد و هدف از این پژوهش تحلیل و بررسی چیستی تفکر مراقبتی در زمینه‌ی انواع، ابعاد، ماهیت و پاسخگویی به چالش‌هایی است که در این حوزه مطرح است. از اینرو این پژوهش، با روش تحلیل مفهوم به بررسی انواع و ابعاد تفکر مراقبتی و خصوصیات ویژه‌ی هر نوع می‌پردازد و در این راستا جامعیت یا عدم جامعیت انواع، وجود نسب اربع میان انواع، تداخل و تمایز هر نوع در دیگری، بیان تأثیر انواع تفکر مراقبتی در طبقه‌بندی اهداف آموزشی بلوم، حیطه‌ی اثرگذاری فردی یا اجتماعی هر کدام از انواع، چندگونگی ابعاد و چالش‌های مربوط به آن، و ماهیت ویژه تفکر مراقبتی را مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌دهد. علاوه بر پاسخگویی به چالش‌های فوق و بیان نتایج در هر مرحله و جمع‌بندی آنها در قسمت نتیجه‌گیری راهکاری ۴ مرحله‌ای نیز، جهت اجرایی نمودن تفکر مراقبتی بیان می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: تفکر مراقبتی، انواع تفکر مراقبتی، ابعاد تفکر مراقبتی، ماهیت تفکر مراقبتی

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

yahya.ghaedi@khu.ac.ir

** دانشیار، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

*** دانشیار، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

**** دانشیار، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه

ایده‌ی تفکر مراقبتی از حساسیت لیپمن و شارپ در اثرگذاری عواطف و هیجانات در تفکر منشأ می‌گیرد و چنین معرفی می‌شود؛ تفکری که در سطح حداقلی شامل: توجه و مراقبت داشتن نسبت به مسائل و چالش‌های دیگران، دقت در ابقای تعالی شناختی فرآیندها و فرآورده‌ی اندیشه‌ی فرد، هنجاری بودن، ارزیابی و سنجش تمام عوامل زمینه‌ای قبل از قضاوت و داوری، است (Oyler, 2016, 3). تفکر مراقبتی گونه‌ای جدید از تفکر است که توسط لیپمن، در پاسخ به دو مشکل اساسی معرفی شد: (۱) تفکر انتقادی و خلاق از توضیح چگونگی تربیت و رشد ارزش‌ها در تجربیات انسانی ناتوان است، (۲) این دو تفکر هم‌چنین، بنیاد جامعی در پژوهش‌های فلسفی، سیاسی، اخلاقی و زیبایی‌شناسی ارائه نمی‌کنند (Lipman, 1995). لیپمن پس از معرفی تفکر مراقبتی، پنج زیر گروه برای آن معرفی نمود (Lipman, 2003, 264-271). در زمینه‌ی تفکر مراقبتی علیرغم پژوهش‌های انجام شده در سالهای اخیر با اهداف مختلف چون: (Abedi, 2018)، (Hedayati, 2018) و (Rahimzade, 2019) پاسخ به چالش‌هایی در زمینه‌ی چستی تفکر مراقبتی با نگاهی فلسفی که در ادامه ذکر می‌شود، هنوز انجام نشده است.

تداخل یا تمایز بین انواع تفکر مراقبتی هنوز شناخته شده نیست و بیان وجه مشخصه برای هر یک ضروری است. بر اساس این ضرورت، اولین تحلیل ارائه شده در این پژوهش مختص این موضوع است. علاوه بر این، یکی از اهداف معرفی و بررسی تفکر مراقبتی، کاربردی نمودن این تفکر در آموزش و پرورش کودکان است و از جمله‌ی این امور، اهداف آموزشی است. بررسی اثرات انواع تفکر مراقبتی در رویکردهای آموزشی با توجه به طبقه‌بندی‌های سه‌گانه‌ی بلوم، به جهت ارائه‌ی کاربرد عملی انواع تفکر مراقبتی در آموزش، ضرورت دیگر این پژوهش است. در بیانی از شارپ، تفکر مراقبتی امری هدف‌مند و مبتنی بر همکاری در روابط انسانی معرفی شده است (Sharp, 2007; Sharp, 2014). در این راستا، این پژوهش حیطه‌ی عملکرد انواع تفکر مراقبتی را به دو زیر گروه فردی و اجتماعی تقسیم نموده و مشخص می‌سازد که حیطه‌ی اجتماعی تفکر مراقبتی وجه غالب آن در مقایسه با تفکر انتقادی و خلاق است. (Lipman (2003) و Dombayci (2011) تفکر مراقبتی را با تفاوت در ابعاد، دوگانه بعد می‌دانند. اینکه کدامیک از این تقسیم‌بندی‌ها صحیح است و چرایی

آن چالش دیگری است که این مقاله به آن پاسخ داده و مشخص می‌سازد که تفکر مراقبتی سه‌گانه بعد است. از سوی دیگر چنین به نظر می‌رسد که ماهیت تفکر و مراقبت متفاوت از یکدیگر است، از این رو، این پژوهش با تحلیل دیدگاه‌های موجود، آنها را مورد نقد و بررسی قرار داده و مشخص می‌سازد تفکر مراقبتی، طبیعتی غیرقابل تفکیک از دو عنصر شناخت و عاطفه دارد. در ادامه و در قسمت نتیجه‌گیری با توجه به نکات تحلیلی مذکور، راهکاری ۴ مرحله‌ای جهت اجرایی نمودن تفکر مراقبتی پیشنهاد می‌شود.

روش پژوهش

روش تحلیل مفهومی از روش‌های مورد استفاده در پژوهش‌های فلسفی به شیوه‌ی تحلیلی است. هدف پژوهش تحلیلی فلسفی، فهم و بهبود بخشیدن به مجموعه‌ی مفاهیم یا ساختارهای مفهومی است که پژوهشگر برحسب آنها تجربه را تفسیر نموده، مقاصد را بیان کرده، مسائل را ساخت‌بندی و پژوهش‌ها را به اجرا در می‌آورد. در این روش، پژوهشگر به فهمی معتبر از معنای عادی یک مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط، به واسطه‌ی توضیح دقیق ارتباط‌های آن با سایر مفاهیم و نقش آن در اعمال اجتماعی و داوری‌ها درباره‌ی جهان، دست می‌یابد. تحلیل مفهومی تلاش در جهت تغییر مفاهیم نیست، بلکه کوشش برای فهم آنها است (Coombs & Daniels, 1991, 43-63).

روش تحلیل مفهومی با رجوع به منابع کتابخانه‌ای و الکترونیک طی فرآیند گردآوری منابع و فیش‌برداری، به طبقه‌بندی، توصیف و تحلیل اطلاعات و سپس تبیین و نتیجه‌گیری در راستای پاسخگویی به سؤالات پژوهش می‌پردازد. بر این اساس و با توجه به نیاز این پژوهش، تحلیل مفهومی ابعاد و انواع تفکر مراقبتی جهت دستیابی به چستی تفکر مراقبتی صورت گرفته است. هم‌چنین پس از تحلیل نظرات اندیشمندان مختلف، موضوعاتی چون؛ جامعیت یا عدم جامعیت انواع تفکر مراقبتی و تداخل هر نوع در دیگری، اثرات هرکدام از انواع در طبقه‌بندی حوزه‌های شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی بلوم و مثال‌هایی از هر نوع، ابعاد تفکر مراقبتی و چستی ماهیت تفکر مراقبتی مورد بررسی و جمع‌بندی قرار گرفته و نتیجه‌ی نهایی در هر زمینه بیان شده است. در خاتمه با لحاظ کردن نتایج به‌دست آمده، راهکاری عملیاتی جهت اجرایی نمودن تفکر مراقبتی ارائه شده است.

در تحلیل مفهومی لازم است که دامنه‌ی بافت‌های جمله‌ای مورد استفاده را روشن نمود (Coombs & Daniels, 1991, 48). دامنه‌ی مورد استفاده‌ی این پژوهش، متون مرتبط با موضوع پژوهش بوده و واکاوی چستی تفکر مراقبتی که در حوزه‌ی فلسفه برای کودکان مورد استفاده است بر مبنای سه خصوصیت انواع، ابعاد و ماهیت مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که منظور از انواع در واقع زیرگروه‌ها یا تقسیم‌بندی‌هایی است که درباره‌ی تفکر مراقبتی انجام شده‌است و ابعاد در واقع دامنه‌های اثرگذاری تفکر مراقبتی است. در قسمتی از این پژوهش به مطالعه، مقایسه و در برابر هم نهادن تعاریفی که از انواع تفکر مراقبتی شده، پرداخته‌ایم و با لحاظ نمودن موارد فوق، وجه مشخصه‌های هر نوع، جامعیت یا عدم جامعیت انواع و اثراتی که از پرورش هر کدام از انواع تفکر مراقبتی در زمینه‌ی اهداف آموزشی بلوم مشاهده می‌شود و جنبه‌های اثرگذاری فردی و اجتماعی آنها را بررسی می‌نماییم.

۱) تحلیل تداخل یا تمایز، حوزه و حیطه در انواع تفکر مراقبتی

تفکر مراقبتی در زیر گروه‌های تفکر ارزش‌گذار یا ستایشی، عاطفی، فعال، هنجاری و همدلانه ارائه شده است (Lipman, 2003, 264-271). چالش‌های قابل بحث در این خصوص عبارتند از: در تعاریف انواع ۵ گانه‌ی تفکر مراقبتی، گاهی چنان تعاریف و مثال‌ها نزدیک به هم و مشابه بیان شده که خواننده دچار تردید گردیده که آیا این ۵ زیر گروه به درستی به ۵ دسته تقسیم شده‌اند و کاملاً مجزا هستند یا در قسمت‌هایی با یکدیگر، هم‌پوشانی دارند؟ چه تشابهات و تمایزاتی میان این زیر گروه‌ها وجود دارد؟ آیا فقط از لحاظ وجه اسمی این تقسیم‌بندی‌ها متفاوت است یا از لحاظ مفهومی و عملکردی نیز با یکدیگر تفاوت دارند؟ و به طور خاص چه نسبتی از نسب اربع میان ۵ زیر گروه تفکر مراقبتی وجود دارد؟

به عنوان مثال در واکاوی تفکر عاطفی و مقایسه‌ی آن با تفکر ارزش‌گذار، چنین به نظر می‌رسد که شخص در تفکر عاطفی، با علاقه‌مندی به موضوعی آنرا در اولویت قرار داده و برایش ارزشمند است و در توصیف تفکر ارزش‌گذار مجدداً این جنبه به چشم می‌خورد؛ گرامی داشتن و ارج نهادن. از این‌رو، چنین سؤالاتی مطرح می‌شود که چرا با وجود شباهت‌هایی در توصیف، لیپمن و سایرین باز هم بر تقسیم‌بندی ۵ گانه تأکید داشته‌اند؟ و چرا

تفکر عاطفی و تفکر ارزش‌گذار درهم ادغام نشده است؟

از سوی دیگر در مقایسه‌ی دو نوع تفکر همدلانه و عاطفی نیز، نقش پررنگ تفکر عاطفی را در می‌یابیم، به نحوی که تا علاقه‌مندی و توجه به سایرین (تفکر عاطفی) در میان نباشد خواه ناخواه تفکر همدلانه نیز صورت نمی‌پذیرد. در نتیجه باز هم این سؤال مطرح می‌شود که جدا ساختن این دو نوع از تفکر چه ضرورتی دارد؟ آیا وجه تمایز مشخصی برای این زیر گروه‌ها می‌توان یافت؟

همچنین هنگامی که به بررسی تمایز تفکر فعال از تفکر هنجاری می‌رسیم، در می‌یابیم که آدمی با توجه به هنجارهایی (تفکر هنجاری) که در ذهنش شکل می‌گیرد و تقسیم‌بندی‌های ذهنی که بر این اساس به بایدها و نبایدها شکل می‌دهد، دست به عمل می‌زند (تفکر فعال) و وجه عملیاتی تفکر پس از تقسیم‌بندی و هنجاربندی‌ها شکل می‌گیرد. پس چه نیازی به متمایز کردن تفکر هنجاری و تفکر فعال وجود داشته است؟ برای پاسخگویی به ابهامات فوق، در ادامه، هر نوع از تفکر مراقبتی مورد بحث قرار گرفته و ضمن مقایسه‌ی دیدگاه‌های پیشین و ارائه‌ی مثال‌های مختلف، وجه تمایز هر نوع ارائه می‌گردد:

الف - تفکر ارزش‌گذار/ستایشی

در این خصوص، لیپمن با بیان نقل قولی از دیویی و تفاوتی که وی در ارزش‌قائل شدن و ارزیابی بیان کرده است، دو نتیجه را بیان می‌کند: ۱- اثرگذاری زمینه یا متن در ستودن، ۲- احساسی بودن مرجع ارزش‌قائل شدن در مقابل محاسبه‌ی ارزش که جنبه‌ی عقلانی دارد. وی در ادامه بیان می‌دارد که در محاسبه‌ی ارزش چیزی، جنبه‌ی عقلانی مهم‌ترین جنبه است (Lipman, 2003, 264). با لحاظ کردن این سخنان، چنین دریافت می‌شود که با ارتباط برقرار کردن میان دو عنصر شناخت و عاطفه در جنبه‌ی ارزیابی، گونه‌ای از اندیشیدن به مخاطب معرفی می‌شود که هر دو جنبه را در بردارد. وجه تمایز اختصاصی تفکر ارزش‌گذار در مقایسه با ۴ نوع دیگر قدردانی، عزیز و گرامی‌داشتن، محاسبه‌ی ارزش و ارزیابی و به سبب آن پایه و اصول اخلاقی ایجاد نمودن است. در ادامه، در جدول ۱، دیدگاه‌های مطرح در خصوص تفکر ارزش‌گذار مقایسه و جمع‌بندی می‌شود.

به دلیل اهمیت اهداف آموزشی و در نظر گرفتن تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ی بلوم، شامل حوزه‌های

جدول ۱. تفکر ارزش‌گذار/ ستایشی
Table 1. Appreciative/Valuational Thinking

نظریه پرداز Theoretician	تفکر ارزش‌گذار یا ستایشی Appreciative/Valuational Thinking
Lipman, 2003	قدردانی کردن، عزیز و گرامی داشتن، ارزیابی و محاسبه‌ی ارزش
Brunt, 1996	پایه و اصول اخلاقی ایجاد می‌کند، دو زیر دسته‌ی عینی و ذهنی را شامل می‌شود و در فرآیندی ۳ مرحله‌ای شکل می‌گیرد: انتخاب، ارزش قائل شدن، تایید.
Sharp, 2007	دانش آموزشی که حساسیت بالا و عواطف شدید دارند در جنبه‌ی تفکر ارزش‌گذار به شکل ویژه‌ای قوی هستند. آن‌ها متعهد بوده که دلایل ارزش‌های خود را بیان کنند.
اندیشمندان فوق	نموده‌هایی از این گونه: احترام به بزرگترها، کمک به دیگران، نگهداری از اموال، انصاف، راستگویی، حفاظت از محیط زیست، جمع کردن، تهیه، طبقه‌بندی و نگهداری مجموعه‌های ارزش‌مند فردی و اجتماعی

شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی، اثرات تفکر ارزش‌گذار در این زمینه را، مورد بررسی قرار می‌دهیم. حوزه‌ی شناختی، دانش، معلومات و توانایی‌های ذهنی را دربر گرفته و هدف‌های این حوزه مرتبط با فعالیت‌های ذهنی است. حوزه‌ی عاطفی، با علاقه، انگیزش، نگرش، قدردانی و ارزش‌گذاری سر و کار دارد و حوزه‌ی روانی - حرکتی با هر فعالیتی که علاوه بر جنبه‌ی روانی دارای جنبه‌ی جسمانی هم باشد، ارتباط دارد. تفاوت عمده‌ی هدف‌های این حوزه با حوزه‌ی شناختی و عاطفی در این است که هدف‌های حوزه‌ی شناختی صرفاً به فعالیت‌های شناختی و هدف‌های حوزه‌ی عاطفی صرفاً به فعالیت‌های عاطفی مربوط می‌شوند، اما هدف‌های حوزه‌ی روانی - حرکتی هم به فعالیت‌های شناختی و عاطفی و هم به فعالیت‌های جسمی نیاز دارند (Saif, 2011, 448-449).

در تفکر ارزش‌گذار شخص باید با شناخت و آگاهی به ارزش جهان اطراف شامل پدیده‌ها و رویدادها، انسان‌ها، گیاهان، طبیعت و سایر جانداران، پی برده (حوزه‌ی شناختی بلوم)، در هر مورد نکات و جنبه‌های مثبت و زیبا را دیده و بیان کند (حوزه‌ی عاطفی بلوم) و در مواردی مانند حفاظت از طبیعت و محیط زیست، شخص، نیازمند عملیاتی نمودن ارزش‌ها و استانداردهای شخصی است (حوزه‌ی روانی - حرکتی بلوم).

در تبیین حیطه‌ی اثرگذاری تفکر ارزش‌گذار، می‌توان به دو حیطه‌ی فردی و اجتماعی اشاره نمود. نمونه‌هایی از حیطه‌ی فردی تفکر ارزش‌گذار شامل انصاف، راستگویی، دارا بودن

استانداردهای قوی شخصی و حیطه‌ی اجتماعی شامل؛ احترام به بزرگترها، کمک به دیگران، حفاظت از محیط زیست، رعایت حقوق دیگران و ... است. برخی موارد این نوع از تفکر، مانند تهیه، جمع‌آوری و نگهداری مجموعه‌های مختلف ارزش‌مند هر دو حیطه‌ی فردی و اجتماعی را شامل می‌شود.

ب- تفکر عاطفی

در تفکر عاطفی، لیپمن با استناد به بیانی از نوس‌بام در اینکه عواطف شکلی از تفکرات بوده و مشابه هر تفکر دیگری ممکن است اشتباه باشند، مدعی است که به جای ایجاد تضاد و دوگانگی میان عواطف و شناخت، می‌توان عواطف را نوعی داوری یا آشکالی از تفکر بدانیم. وی همچنین معتقد است که تأکید صرف بر یک نوع از تفکر در آموزش مانند تفکر منطقی سبب پرورش افرادی تک بعدی و غیرطبیعی خواهد شد. او تفکر عاطفی را مسبب تعدیل در عواطف و به دنبال آن، تعدیل و کنترل رفتارها می‌داند (Lipman, 2003, 266-267). در جدول ۲، جمع‌بندی و مقایسه‌ی نظرات اندیشمندان درباره‌ی تفکر عاطفی بیان شده است.

جدول ۲. تفکر عاطفی

Affective Thinking	تفکر عاطفی	Theoretician	نظریه پرداز
	میان منطق و احساسات حرکت می‌کند.	Lipman, 2003	
	متفکر عاطفی ایده‌آل‌گرا و دارای حس عدالت قوی است، حساسیت نسبت به عواطف دیگران داشته و داوری اخلاقی رشد یافته دارد.	Brunt, 1996	
	متفکر عاطفی، برای آشنایی با حقوق فردی تلاش نموده، در رفتار و عمل منصفانه و عادلانه رفتار می‌کند، همدرد با دیگران و حساس نسبت به ظلم در محیط اطراف است.	Sharp, 2007 & 2014	
	تفکر عاطفی محرک و برانگیزاننده‌ی شناخت است.	Dombyci, 2011	
	نموده‌هایی از این‌گونه: داشتن احساس عمیق نسبت به دیگران، شرکت منصفانه در کارهای گروهی، تعهد به دوری از خشونت، وضوح فکر، اجرای عدالت، داوری اخلاقی رشد یافته	اندیشمندان فوق	

با واکاوی انواع تفکر مراقبتی و لحاظ کردن نظرات اندیشمندان این حوزه وجه تمایز تفکر عاطفی مشخص می‌گردد: برانگیزاننده‌ی شناخت، پاسخ و ابراز واکنش شدید عاطفی و شناختی در برابر تخلف، قصور و قانون شکنی و به دنبال آن مصمم در اجرای عدالت بودن است.

در راستای طبقه‌بندی اهداف آموزشی بلوم و با توجه به تعاریف این اهداف آموزشی که قبلاً ذکر شد؛ اثرات تفکر عاطفی هر دو حوزه‌ی شناختی و عاطفی را شامل می‌گردد. برای رشد و پرورش تفکر عاطفی در کودکان در وهله‌ی نخست آشنایی و شناخت عواطف خود و دیگران (حوزه‌ی شناختی) و در ادامه رعایت حقوق خود و دیگران (حوزه‌ی عاطفی) باید انجام پذیرد. در واکاوی حیطه‌ی اثرگذاری تفکر عاطفی، شناخت عدالت در رفتارهای فردی و اجتماعی و عمل بر این میزان یکی از اصول اولیه‌ی دستیابی به رشد و پرورش تفکر عاطفی است و از سوی دیگر عالی‌ترین دستاورد تفکر عاطفی در شخص (حیطه‌ی فردی)، رعایت انصاف و عدالت در عملکرد شخص اعم از گفتار و رفتار (حیطه‌ی فردی) است که نتیجه عدالت و انصاف داشتن در نحوه‌ی تفکر و اندیشیدن است. هم‌چنین به دلیل اثرگذاری فرد و اجتماع در یکدیگر، پرورش و توسعه‌ی عملکردهای فردی مبتنی بر تفکر عاطفی مانند اجرای عدالت، دوری از خشونت، داوری اخلاقی رشد یافته و ... در سطوح گونه‌گون اجتماعی نیز اثرگذار است (حیطه‌ی اجتماعی).

ج- تفکر فعال

مشتاقانه مراقبت کردن درباره/ از، چیزی/ کسی و درگیر بودن با موضوع/ علتی است (Sharp, 2007). اندیشیدن جهت تغییر و ساختن جهان به مکانی بهتر برای ساکنان آن، نمونه‌ای از تفکر فعال است (Brunt, 1996). جدول ۳، نظرات گوناگون در این زمینه را منعکس می‌نماید.

Table 3. Active Thinking

جدول ۳. تفکر فعال

Active Thinking	تفکر فعال	Theoretician	نظریه پرداز
	دگرذیسی تفکر و اندیشیدن به عمل و فعالیت.	Lipman, 2003	
	متفکر فعال؛ به استفاده از زبان، رفتار، برنامه‌ریزی و عمل جهت حمایت از یک موضوع یا عقیده می‌پردازد، صداقت و خلوص عمیق داشته، متفکری مشفق بوده و دارای منبع کنترل درونی است.	Brunt, 1996	
	متفکر فعال؛ آگاه نسبت به دیگران است و تمایل به عمل برای پیشرفت دارد.	Sharp, 2007	
	نمودهایی از این‌گونه: حفظ معانی عبارات در ترجمه، کارهای عام المنفعه، نظم دادن به امور، انجام فعالیت‌های ارزشمند، کمک به دیگران، استفاده از زبان، ژست و حالت، حمایت از طرح/عقیده/ جنبش	اندیشمندان فوق	

پرورش تفکر فعال، بر ارزش‌های واقعی و انتزاعی اثرگذار است. تفکر فعال است که انسان عامل می‌سازد. انسان عاملی که اصول و ارزش‌های انسانی آموخته شده را در عمل و در ارتباط با دنیای اطرافش پیاده می‌سازد. دایره تأثیرگذاری چنین شخصیتی فراتر از خود بوده و به تناسب عاملیت و گسترش فکر فعال در فرد گسترش می‌یابد (حیطه‌ی اجتماعی).

در مقایسه با سایر انواع تفکر مراقبتی، عملیاتی نمودن فکر و اجرای آن نشانه‌هایی از تفکر فعال داشتن است که وجه تمایز تفکر فعال از سایر انواع به حساب می‌آید. به عبارتی منظر عملیاتی تفکر مراقبتی ناشی از وجود زیرگروه تفکر فعال است.

در طبقه‌بندی هدف‌های سه‌گانه‌ی آموزشی بلوم، اثرات تفکر فعال در دو حوزه‌ی عاطفی و روانی - حرکتی دیده می‌شود. متفکر مراقبتی، با درگیر شدن در موضوع و مشتاقانه مراقبت نمودن (حوزه‌ی عاطفی) وجه تفکر عاطفی خود را تقویت می‌نماید و با اندیشیدن پیرامون به‌سازی جهان اطراف خود و عملیاتی نمودن اندیشه‌ها در حوزه‌ی روانی - حرکتی به فعالیت می‌پردازد. به عنوان مثال، در حمایت از جنبشی پس از درگیر شدن شخص در موضوع مورد نظر (حوزه‌ی عاطفی)، متفکر فعال به جستجوی راهی برای گسترش و توسعه‌ی اهداف جنبش دست می‌زند (حوزه‌ی روانی - حرکتی).

حیطه‌ی اثرگذاری تفکر فعال، هم فرد و هم اجتماع را در برمی‌گیرد. در حیطه‌ی فردی حفظ زیبایی و تندرستی و پایبندی به ارزش‌های انتزاعی قابل ذکر است و نمونه‌هایی از تفکر فعال در حیطه‌ی اجتماعی، انجام کارهای عام‌المنفعه، کمک به دیگران و حمایت از جنبش و عقیده است.

د- تفکر هنجاری

تفکر هنجاری، تفکر درباره‌ی چیزی که هست را به تفکر درباره‌ی آنچه باید باشد مرتبط ساخته و نتیجه‌ی دیدگاه ایده‌آل‌گرایی است (Lipman, 2003, 268-269). نظرات اندیشمندان این حوزه به طور خلاصه در جدول ۴ بیان شده است.

وجه مشخصه‌ی تفکر هنجاری در مقایسه با سایر انواع تفکر مراقبتی، ارزیابی و سنجش وضعیت حال با شرایط ایده‌آل است. به عنوان مثال، در مواجهه با ارزش‌های اجتماعی (حقوق بشر، حفظ محیط زیست و ...) تفکر ارزش‌گذار، ارزش‌مندی موضوع را خاطر نشان می‌سازد،

Table 4. Normative Thinking

جدول ۴. تفکرهنجاری

نظریه پرداز	Theoretician	تفکرهنجاری	Normative Thinking
Lipman, 2003	مقایسه‌ی آنچه هست با آنچه می‌تواند/ می‌توانست باشد.		
Brunt, 1996	متفکرهنجاری حساس به ناسازگاری میان ایده‌آل‌ها و رفتارها است و توانایی مفهوم‌سازی و ارائه‌ی راه حل برای مشکلات جوامع و موضوعات جهانی دارد.		
Sharp, 2007 & 2014	تفکرهنجاری در دو سطح منطقه‌ای و جهانی درگیر شده و موضوعاتی مانند حقوق بشر، حفظ محیط زیست و حقوق حیوانات را شامل می‌شود. سؤالات مطرح شده در این نوع تفکر: در چه نوع اجتماعی مایلید زندگی کنید؟ انسان بودن در جهان به چه معناست؟ من به چه ارزش‌هایی باید متعهد باشم؟ چگونه می‌توانم در دیگری حضور یابم؟		
اندیشمندان فوق	نمودهای این‌گونه: داشتن دغدغه‌های عمیق برای بشریت، رعایت حقوق بشر، سایر موجودات و محیط زیست		

تفکر فعال لزوم مراقبت از آنرا متذکر می‌شود و در نهایت، تفکرهنجاری، بهترین حالت اجرایی ارزش مذکور را به عنوان هدف آرمانی معرفی می‌کند.

اثرات تفکرهنجاری در حوزه‌ی شناختی و عاطفی قابل مشاهده است. متفکر هنجاری با داشتن دغدغه در موضوعات اصلی بشری (حوزه‌ی عاطفی) و مقایسه میان آنچه هست با آنچه باید باشد (حوزه‌ی شناختی)، سعی در پاسخگویی به پرسش‌هایی جهت راه‌یابی به ایده‌آل‌ها در زمینه‌های فردی و اجتماعی دارد.

هم‌چنین متفکرهنجاری فراتر از ابعاد فردی، هنجارها و ناهنجاری‌ها را در سطح اجتماعی مدنظر قرار داده، دغدغه‌ی زیست صحیح و سالم برای افراد، ایجاد و حفظ شرایط مناسب زیستی را خاطر نشان می‌سازد (حیطه‌ی اجتماعی). تفکرهنجاری است که مسبب تغییر و تحولات فردی و اجتماعی می‌گردد. ارزیابی و داوری میان بود و نبود، بود و می‌باید، پرسشگری و ایجاد چالش در زمینه‌های مختلف و گوناگون است که تغییر و تحولات خرد و کلان اجتماعی و شخصی را رقم می‌زند (حیطه‌ی فردی و اجتماعی).

ه- تفکر همدلانه

لیپمن در توصیف تفکر همدلانه بر این نکته تأکید دارد که این گونه از تفکر، ما را قادر به درک بهتر دیدگاه‌ها و موقعیت فرد مقابل نموده و امکان رسیدن به تفاهم عاطفی را در طرفین

درگیر در چالش فراهم می‌نماید. وی هم‌چنین اعلام می‌دارد، هنگام همدلانه رفتارکردن هریک از ما، باید داوری مختص خود را حفظ نموده تا با شناخت و آگاهی از داوری‌های دیگران به دلایل بهتر و ارزیابی‌های قوی‌تری دست یابیم (Lipman, 2003, 269- 270).

Table 5. Empathetic Thinking

جدول ۵. تفکرهمدلانه

Empathetic Thinking	تفکر همدلانه	Theoretician
		نظریه پرداز
		Lipman, 2003

خود را در جایگاه، تجارب و موقعیت دیگران گذاشتن. نمودهای این‌گونه: مهربانی‌کردن، اهمیت دادن، توجه داشتن و نگران دیگران بودن و محتاط بودن

از نتایج توسعه‌ی تفکرهمدلانه در جوامع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (۱) جنبش دیگر دوستی مؤثر که عمدتاً بر اثر روشنگری‌های فکری پیترسینگر پدید آمده، از مفاهیم تفکر همدلانه‌ی توسعه‌یافته استفاده نموده تا بیشترین خیراخلاقی ممکن را در جوامع جاری سازد، (۲) از دیگر نمودهای تفکرهمدلانه را می‌توان در نظریه‌ی اخلاق لویناس یافت. او دیگری را مدار و محور نظریه‌ی اخلاق خود قرار داده و شرط امکان اخلاق را در نسبت با دیگری بسته است (Levinas quoted from Olia, 2015, 70).

تمایز تفکرهمدلانه با سایر انواع تفکرمراقبتی، خود را در جایگاه، تجارب و موقعیت دیگران گذاشتن است و برخلاف تفکرعاطفی، تفکرهمدلانه نیازمند وجود دیگری است و در ارتباط متقابل با افراد است که محقق می‌گردد. از این‌رو، حیطه‌ی اثرگذاری اجتماعی در این نوع از تفکر مراقبتی پررنگ‌تر از سایر انواع است.

اثرات تفکرهمدلانه، در حوزه‌ی عاطفی دیده می‌شود و در هر دو حیطه‌ی فردی و اجتماعی اثرگذار است. این تفکر، با فراتر رفتن از نگاهی تک بعدی، دیگری را مورد توجه و شفقت قرار داده و با پشتوانه‌ای از مراقبت به همراه عامل شناخت، تأثیرگذار است (حیطه‌ی اجتماعی). تفکرهمدلانه اخلاق احترام به دیگری را در شخص پرورش داده و درک شرایط دیگران را برای فرد میسر می‌سازد (حیطه‌ی فردی). از سوی دیگر تفکرهمدلانه، سبب بهبود شرایط اجتماعی در اثر توسعه‌ی تفاهم عاطفی میان افراد جامعه می‌شود (حیطه‌ی اجتماعی).

و- بررسی نسب اربع میان زیرگروه‌های تفکرمراقبتی

پس از معرفی و تحلیل انواع پنج‌گانه‌ی تفکرمراقبتی، سوال مهم دیگر کنکاش در نسب

اربع است. تفکر ارزش‌گذار با تفکر فعال و تفکر هنجاری رابطه‌ی خصوص و عموم من وجه دارد. زیرا در تفکر فعال مراقبت شخص از امور ارزشمند صورت می‌پذیرد به نحوی که به نظر می‌رسد ابتدا تفکر ارزش‌گذار در شخص فعال شده و طبقه‌بندی ارزشی مسائل و امور، هرچند ذهنی و انتزاعی صورت گرفته‌است، ولی عملی‌ساختن این بعد از تفکر به صورت تفکر فعال ظهور و بروز می‌یابد. به عنوان مثال در حفظ معانی عبارات از زبانی به زبان دیگر توسط مترجمان در ابتدا باید ارزشمندی و اهمیت معانی برای شخص مترجم و ذهن او روشن شده باشد و آگاهانه دست به اقدام زده تا تفکر فعال جاری شده و حفظ معنا به خوبی صورت پذیرد. در مواردی که کارها و امور برای اشخاص بی‌اهمیت یا کم‌اهمیت است، عمل انجام شده هم از کیفیت شایسته‌ای برخوردار نخواهد بود.

رابطه‌ی میان تفکر ارزش‌گذار و تفکر هنجاری نیز، رابطه‌ی خصوص و عموم من وجه است. به نحوی که در تفکر هنجاری ابتدا ارزش‌ها و قدرها تعیین می‌شود و سپس هنجارها معرفی می‌گردند. رابطه‌ی تفکر عاطفی با تفکر ارزش‌گذار و تفکر همدلانه نیز، به همین صورت است. هنگامی که مسأله‌ای برای شخص دارای ارزش باشد، از لحاظ عاطفی درگیر آن بوده و در ارزیابی‌های خود وزن بیشتری برایش قائل است. هرچند این امر ناخودآگاه و بدون علم عامل باشد. از سوی دیگر، اگر علاقه‌مندی در کار نباشد (تفکر عاطفی)، ارزش‌گذاری هم معنا نمی‌دهد (تفکر ارزش‌گذار) از این‌رو، وجه عاطفی، غالباً در ارزش‌گذاری‌ها و ارزیابی‌های آدمی وجهی غالب محسوب می‌شود (تفکر همدلانه). در تفکر عاطفی احساس همدلی شدید با اتفاقات و اشخاص رخ داده و عواطف در تفکر همدلانه حضور پررنگ خواهند داشت.

وابستگی انواع پنج‌گانه‌ی تفکر مراقبتی با یکدیگر و عدم امکان جداسازی و انفکاک کامل یکی از دیگری به دلیل انتزاعی بودن جنس تفکر و هم‌چنین خصوصیت ذهن آدمی و خلقت انسان است. البته خواه ناخواه، در هر رفتار و عملکرد یک یا چند مورد از این ابعاد غالب‌تر است.

۲) تفکر مراقبتی؛ دوگانه یا سه‌گانه بعد؟، اشتراک یا افتراق ابعاد در انواع؟

از میان اندیشمندانی که در باب تفکر مراقبتی سخن گفته‌اند؛ لیپمن و دمبای‌سی اشاره‌هایی به ابعاد اثرگذاری تفکر مراقبتی نموده‌اند. لیپمن پس از معرفی تفکر مراقبتی، به صورت

غیرمستقیم، به بیان ابعاد این‌گونه از تفکر پرداخته است و از سوی دیگر دمبای‌سی و همکارانش نظر متفاوتی با لیپمن ارائه کرده‌اند. لیپمن تفکر مراقبتی را دارای دو بعد می‌داند؛ الف- اندیشیدن به/ درباره‌ی موضوع تفکر (مفعول)، ب- توجه داشتن به نحوه‌ی تفکر/ تأثیر هدف تفکر مراقبتی (فعل) (Lipman, 2003, 262) و دمبای‌سی و همکاران دو بعد فاعلی و مفعولی برای تفکر مراقبتی معرفی نموده‌اند. بعد فاعلی دربرگیرنده‌ی نتایج فرآیند تفکر مراقبتی بر متفکر مراقبتی است که لزوم اجرای آنرا درک می‌کند. بعد مفعولی دربرگیرنده‌ی موضوعات هدف در فرآیند است (Dombayci, 2011).

با بررسی و جمع‌بندی موارد و ابعاد مذکور، سؤال مهمی مطرح می‌شود که نهایتاً تفکر مراقبتی دوگانه بعد است یا سه‌گانه بعد؟ و دامنه‌ی اثرات آن در چند بعد گسترش می‌یابد؟ چنین دریافت می‌شود که نه آن‌چنان که لیپمن گفت تفکر مراقبتی، فقط دارای ابعاد مفعولی و فعلی است و نه چنان‌که دمبای‌سی و همکارانش مدعی‌اند فقط دارای ابعاد فاعلی و مفعولی است بلکه؛ تفکر مراقبتی در سه بعد فاعلی، مفعولی و فعلی تجلی می‌یابد. زیرا نوعی از اندیشیدن است که نه تنها در ذهن، بلکه در عمل و رفتار نیز تجلی می‌یابد. افزون بر این، تفکر مراقبتی نحوه‌ی اثرگذاری در هدف خود را (مفعول) نیز، لحاظ می‌کند و با توجه به ابعاد مختلف و گسترده‌ای که شامل می‌گردد هم خود شخص و هم محیط اطراف شامل تمامی موجودات، انسان‌های دیگر و محیط زیست انسانها، را نیز منتفع می‌گرداند (اثرگذاری در حیطه‌های فردی و اجتماعی). به عبارتی تغییر در نحوه‌ی اندیشیدن شخص متفکر مراقبتی سبب تغییر در دیدگاه و عملکرد وی نیز می‌شود. این تغییرات شامل تغییر در اصول و قوانین شخصی و اجتماعی با در نظر گرفتن حقوق سایرین، اجتماع و زیستگاه می‌باشد. آموزش و پرورش این نوع از تفکر و ابعاد گوناگون آن سبب رشد و توسعه‌ی اخلاق فردی و اجتماعی و محافظت شخص و جامعه از آفات مختلف خودخواهی‌ها و آسیب‌رسانی به انسان‌ها و محیط زیست آن‌ها می‌شود.

با بررسی و تأمل در انواع تفکر مراقبتی و لحاظ کردن سه بعد فعلی، فاعلی و مفعولی، سوال دیگری نیز در این خصوص مطرح می‌شود؛ انواع پنج‌گانه‌ی تفکر مراقبتی در ابعاد، اشتراک و هم‌پوشانی دارند یا افتراق و تمایز؟ علیرغم توجه لیپمن و دمبای‌سی به ابعاد تفکر مراقبتی، در خصوص سوال فوق، توضیحی ارائه نشده و باید گفت، انواع تفکر مراقبتی

دارای هرسه بعد فعلی، فاعلی و مفعولی بوده و با یکدیگر اشتراک ابعاد دارند. زیرا، ابتدا باید فعل اندیشیدن در شخص محقق گردد، سپس دو بعد فاعلی و مفعولی از آن منتج شود و در تمام زیرشاخه‌های تفکر مراقبتی این اصل صدق می‌کند.

۳) ریشه‌یابی ماهیت تفکر مراقبتی

از دیگر چالش‌های مهم در تعیین چیستی تفکر مراقبتی، بررسی ماهیت تفکر مراقبتی است. از این‌رو، در ادامه‌ی این پژوهش، ابتدا به بررسی دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان در خصوص ارتباط میان تفکر و عواطف پرداخته و با توجه به توضیحات ارائه شده در مباحث قبلی، ماهیت تفکر مراقبتی را مورد تدقیق و تبیین قرار می‌دهیم.

در بیان تفکر بودن تفکر مراقبتی لیپمن ارتباط میان *care, caring* و *thinking* را بیان نموده و معتقد است: هرچند، پایه‌ی عصبی تفکر ممکن است ارتباط عصبی باشد اما خود تفکر به تنهایی یک ارتباط تجربی است. وی پیشنهاد می‌کند که تفکر، به معنای فرآیند پردازش اطلاعات در نظر گرفته نشود و به عنوان رابط میان ذرات تجربه لحاظ گردد. او معتقد است فکر کردن، اکتشاف، اختراع، ارتباط و تجربه‌کردن روابط است و مراقبت، حالت متعارفی از تفکر و صرفاً موقعیتی علی برای تفکر نیست و می‌تواند حالت، بعد یا جنبه‌ای از تفکر باشد. لیپمن اظهار می‌دارد: مراقبت نوعی از تفکر است هنگامی که به عنوان عملی شناختی به جستجوی جایگزین‌ها، کشف و ایجاد روابط، بنیاد نهادن ارتباطات و ارزیابی تفاوت‌ها می‌پردازد (Lipman, 1995; Lipman, 2003, 264).

در خصوص روابط میان عواطف و تفکر، لیپمن بیان نموده که دو نظر درباره این ارتباط وجود دارد: الف- کسانی مانند کریسپیوس بر این باورند که عواطف، نوعی قضاوت‌های عقلانی و از اجزای تفکر هستند، ب- گروه دیگری بر این امر تأکید داشته که عواطف از اجزای تفکر نیستند (Lipman, 1995).

نوس‌بام نیز دو استدلال درباره‌ی عواطف بیان می‌کند: الف- عواطف فرایندهایی ذاتی و بدون تفکر بوده که سبب اختلال و سردرگمی تلاش‌های مغز در امور منطقی می‌شوند. ب- عده‌ای دیگر از یونان و رواقی‌گری رومی تا دکارت و اسپینوزا معتقدند، عواطف ذاتی

نیستند اما قابل یادگیری و دارای قوه‌ی ارزیابی و قضاوتند. این دسته از فلاسفه نقش مثبت عواطف را در داوری رد می‌کنند (Lipman, 1995). لیپمن معتقد است در دیدگاه‌های معمول، تفکر فقط منتهی به دامنه‌ی شناختی می‌شود و دامنه‌ی عاطفی شامل حالات روانشناختی است که ممکن است پیش یا همراه با تفکر در جریان تفکر اتفاق بیفتد، هرچند قابل تمیز نباشد. به عبارت دیگر عواطف، نمونه‌هایی همراه با تفکر نیستند، علیرغم اینکه ممکن است علت یا معلول آن باشند و مراقبت و توجه نوعی از عاطفه است (Lipman, 1995).

نظر سومی هم وجود دارد؛ شفلر با هدف غلبه بر شکاف میان عواطف و شناخت، و نکاستن یکی به دیگری، جدا انگاشتن عاطفه و شناخت را صحیح ندانسته و نشان می‌دهد چگونه عملکردهای شناختی، عواطف را به خدمت گرفته و عواطف نیز علائم شناختی حاصل می‌آورند. او معتقد است شناخت نمی‌تواند کاملاً از عواطف جدا شده و به علم واگذار گردیده و عواطف هم به هنر، اخلاق و مذهب (Scheffler, 1997).

هم‌چنین، بنابر نظر داماسیو در فرضیه‌ی شاخص جسمی، عاطفه در مدار خرد قرار دارد و برخلاف آنچه معمولاً تصور می‌شود، می‌تواند به فرآیند خردورزی کمک نماید. این فرضیه براین باور است که عواطف نقشی حیاتی در توانایی تصمیم‌گیری منطقی و سریع در موقعیت‌های پیچیده و نامشخص دارند (Damasio, 2005, 13-17).

با وجود این اختلاف نظرات و گوناگونی دیدگاه‌ها درباره‌ی نقش و ارتباط عواطف و تفکر، این چالش پدید می‌آید که آیا مراقبت را می‌توان به تفکر نسبت داد؟ آیا اصولاً ارتباطی میان حالات مختلف در مراقبت و توجه، با منطق و تفکر که امری شناختی است وجود دارد؟ با توجه به موارد مذکور و هم‌چنین با نظر به پیچیدگی‌های فراوان خلقت آدمی و انشاء

مؤلفه‌های متفاوت و گوناگون در وجود او، این نتیجه حاصل می‌گردد که تفکیک و مجزا کردن کامل توانایی‌ها و اجزای وجودی و شخصیتی آدمی، از جمله تفکیک عاطفه از خرد و تفکر نه امکان‌پذیر است و نه جایز و دوگانه‌ی تفکر مراقبتی، واقعیتی وجودی از خلقت انسان است. از این رو و با توجه به موارد مذکور می‌توان گفت تفکر مراقبتی، ماهیتی شناختی-عاطفی دارد. به عبارت دیگر، تفکر مراقبتی با مراقبتی از جنس توجه و عاطفه شروع شده و در اثر تفکر و تعمیم به ارزش (تفکر ارزش‌گذار و عاطفی)، انگیزه (تفکر عاطفی و فعال) و عمل (تفکر فعال، هنجاری و همدلانه) گسترش می‌یابد.

جدول ۶. مقایسه انواع تفکر مراقبتی
Table 6. Comparison of types of caring thinking

انواع تفکر مراقبتی Types of caring thinking	وجه تمایز Differentiation	حیطه Scope		حوزه Domain		
		فردی اجتماعی	شخصیاتی	شناختی عاطفی	روانی- حرکتی	هر نوع Subjective properties of any kind (Brunt, 1996)
تفکر ارزش‌گذار	محاسبه‌ی ارزش و ارزیابی	√	√	√	√	√
تفکر عاطفی	محرک و برانگیزاننده‌ی شناخت	√	√	√	√	√
تفکر فعال	عمل نمودن و عملیاتی کردن	√	√	√	√	√
تفکر هنجاری	مقایسه‌ی آنچه هست با آنچه باید باشد	√	√	√	√	√
تفکر همدلانه	خود را در جایگاه، تجارب و موقعیت‌های دیگران گذاشتن	√	√	√	√	√

ماهیت دوگانه‌ی تفکر مراقبتی حیطه‌ی اثرگذاری آنرا نیز دیگرگون می‌کند و برخلاف تفکر انتقادی و خلاق، تفکر مراقبتی با توجهی (تفکر عاطفی) شروع شده که تنها منافع فردی را در نظر نمی‌گیرد و دامنه‌ی عمل آن در انواع مختلف به اجتماع گسترش می‌یابد.

تفکر مراقبتی، تفکر و منطق است زمانی که به ارزیابی، قضاوت، غربالگری، سنجش، درک عمیق موضوعات، تصمیم‌گیری، ساخت معانی جدید، انتخاب ارزش جدید، مسئولیت‌پذیری، تعهد، رعایت انصاف و عدالت می‌پردازد و عاطفه و توجه است هنگامی که به دیگرخواهی، شفقت و همدلی، مهربانی، توجه به جهان اطراف، ارتباط با سایرین، گفتگو و صبوری در

ارتباط می‌پردازد و در تمام این‌ها بازهم تفکر + مراقبت است، یعنی شناخت + عاطفه و توجه است، چون در انسان و توسط انسان برای جهانی انسانی انجام می‌پذیرد و بسان ترکیبی جدااناشدنی و در هم پیچیده است که در هر اثر و دستاورد درصد متفاوتی از شناخت، عاطفه و توجه را متجلی می‌گرداند.

۴) نتیجه‌گیری و ارائه‌ی راهکار عملیاتی

۱- جامعیت یا عدم جامعیت انواع تفکر مراقبتی و تداخل هر نوع در دیگری مورد واکاوی و ارزیابی قرارگرفت. در این رابطه به تحلیل و بررسی خصوصیات هر نوع پرداخته شده، وجه/جوه تمایز هر نوع مشخص گردیده و اثرات هر نوع براساس طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی سه‌گانه‌ی بلوم تبیین گردید. هم‌چنین حیطه‌ی اثرگذاری فردی و اجتماعی هریک از انواع مورد بررسی قرارگرفت که نشان می‌دهد دامنه‌ی اثر تفکر مراقبتی برخلاف تفکر انتقادی و خلاق، حیطه‌ی اجتماعی را هم دربرمی‌گیرد.

۲- در میان انواع تفکر مراقبتی، تفکر ارزش‌گذار با تفکر فعال و هنجاری رابطه خصوص و عموم من وجه دارد. هم‌چنین است، تفکر عاطفی با دو تفکر ارزش‌گذار و همدلانه.

۳- تفکر مراقبتی، نه فقط در ذهن فرد بلکه در رفتار و تظاهرات بیرونی شخص نیز نمایان شده و تفکری عاملی و عمل‌کننده است. از این‌رو این گونه از تفکر هر سه بعد فعلی، فاعلی و مفعولی را پوشش می‌دهد.

۴- چالش‌نهایی این پژوهش، کاوش و بررسی در خصوص ماهیت تفکر مراقبتی است. از ویژگی‌های متمایز این گونه از تفکر در مقایسه با سایر انواع تفکر، تکیه بر جنبه‌ی عاطفی، زیبایی‌شناسی و ارزش‌شناسی است. ماهیت تفکر مراقبتی، شناختی و عاطفی بوده و در حقیقت، شناختی با مبدأ عاطفه و توجه است که به صورت ارزش، انگیزه و عمل تجلی می‌یابد. جهت اجرایی نمودن تفکر مراقبتی ۴ مرحله‌ی عملیاتی زیر پیشنهاد می‌شود، که یک چرخه‌ی خود ارزیابی - تصحیح‌گر را فراهم می‌کند:

۱) نگرستن و توجه به دیگری؛ اعم از جاندار و بی‌جان، با استفاده از تفکر ارزش‌گذار، همدلانه و عاطفی آغاز می‌گردد و دارای دو مرحله است: آگاهی از وجود دیگری و ره‌یافت از دیگری به خالق و آفریننده‌ی آن. در این گام، جامعه‌ی متشکل از افرادی منفک از هم‌دیگر، در

اثر پرورش تفکر مراقبتی به جامعه‌ای با افرادی برخوردار از نگاه و توجه به مخلوقات دیگر، فارغ از انحصار طلبی‌های فردی، تبدیل می‌شود.

۲) شناخت حقوق دیگری با استفاده از تفکر عاطفی و هنجاری. در این مرحله، تفکر مراقبتی از نتایج حاصل از دیگرگونی ایجاد شده در مرحله‌ی نخست، استفاده نموده و با تغییر نگرش افراد، هم‌چنین شناخت و آگاهی نسبت به حقوق دیگران، بستری برای شکل‌گیری و ارج نهادن به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی فراهم می‌آورد.

۳) لحاظ کردن حقوق اجتماعی، اخلاقی و زیستی سایرین در تصمیم‌گیری‌ها و نظرات شخصی خود و به دنبال آن عملیاتی کردن توجه به حقوق دیگران در اثر استفاده از تفکر فعال. در این گام، ارزش‌های مراقبتی حاصل از تفکر عاطفی و هنجاری جایگزین ارزش‌های پیشین شده و شخص، خود را به عنوان مدار هستی و غایت نهایی تمامی فعالیت‌ها نمی‌بیند. از این‌رو، قادر است آگاهانه به نقش و اهمیت مخلوقات دیگر توجه نموده و در فعالیت‌های خود حقوق آن‌ها را نیز مدنظر قرار دهد.

۴) ارزیابی مراحل فوق و تجدیدنظر در صورت نیاز؛ استفاده از تفکر ارزش‌گذار و هنجاری. در این گام متفکر مراقبتی با استفاده از نتایج به‌دست آمده از تعامل مراقبتی میان خویش و دیگری، شناخت خود را ارتقاء بخشیده و به تصحیح هنجارها و ارزش‌های اجتماعی پرداخته و با استفاده از تفکر فعال رشد و تعالی افراد جامعه را تسریع می‌نماید.

سهم مشارکت نویسندگان: این پژوهش برگرفته از قسمتی از رساله دکتری خانم هاجرکوهی اصفهانی است که زیر نظر اساتید راهنما؛ آقایان دکتر یحیی فائدی و دکتر سعید ضرغامی همراه و با مشاوره خانم دکتر سوسن کشاورز انجام شده است.

تضاد منافع: در این پژوهش هیچگونه تضاد منافع وجود ندارد.

منابع مالی: این پژوهش با هزینه پژوهشگر انجام شده و برای انجام آن هیچگونه حمایت مالی دریافت نشده است.

References

- Abedi, M., Norowzi, R., Heidari, M., Mehrabi, H. (2018). Presenting a conceptual model of the relationship between philosophy for children (with an emphasis on the dimension of caring thinking) and emotional intelligence. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 17, 131 – 150. [Persian]
- Brunt, J. (1996). Caring thinking: the new intelligence. Retrieved from <http://webshare.northseattle.edu>
- Coombs, Jerrold R., and Le Roi B. Daniels. (1991). Philosophical Inquiry: Conceptual Analysis, pp. 27-41 in Edmund C. Short, ed., *Forms of Curriculum Inquiry*. (Translated by: Mahmoud Mehrmohammadi and Colleagues). Samt: Tehran, 2017. [Persian]
- Damasio, A. (2005). *Descartes'Error. Emotion, Reason, and the Human Brain*. Translated by Reza Amir-Rahimi. Mehrvasta Publishing House: Tehran, 2012. [Persian]
- Dombaycı, M. A., Demir, M., Tarhan, S., & Bacanlı, H. (2011). Quadruple thinking: Caring thinking. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 12, 552-561.
- Hedayati, M. (2018). Construction and Standardization of Caring Thinking Questionnaire Based on "Philosophy for Children" Educational Approach. *Journal of Educational Sciences*, 25(2), 153-178. [Persian]
- Lipman, M. (1995). Caring as Thinking. *Journal Inquiry: Critical thinking Across the Disciplines*, 15, 1-14 .
- Lipman, M. (2003). *Thinking in education*. Cambridge University Press.
- Olia, M. (2015). *Another discovery with Levinas*. Ney Pub: Tehran. [Persian]
- Oyler, J. (2016). Philosophy with Children: The Lipman-Sharp Approach to Philosophy for Children. *Encyclopedia of Educational Philosophy and Theory*. Springer, Singapore.
- Rahimzade, L., Samadi, M. & Anasian, F. (2019). Careful thinking in the circle of digging into the philosophy and child education program. *Philosophy and Children*, 19, 55-64. [Persian]
- Seif, A. A. (2011). *Modern Educational Psychology*. Dowran: Tehran. [Persian]
- Sharp, A. M. (2007). Education of the Emotions in the Classroom Community of Inquiry. *Gifted Education International*, 22(2-3), 248-257.

- Sharp, A. M. (2014). The Other Dimension of Caring Thinking (with a new commentary by Phillip Cam). *Journal of Philosophi in School*, 1(1), 15-21.
- Scheffler, I. (1977). In Praise of the Cognitive Emotions. *Thinking, the Journal of Philosophy for Children*, 3(2), 16- 23.

